

ره آورد من



حکایت بازنشستگی

در بعضی جوامع بازنشستگی به معنی : از کارافتادگی ، بدون ثمرشدن ، بی فایده بودن ، سربار جامعه شدن و ... تلقی می گردد و برای بازنشستگان هیچگونه حقی قایل نمی باشند . نقل است که نخست وزیر سی سال پیش ایران در پاسخ درخواست نماینده معلمان بازنشسته گفته بود : آب جاری را به پای درختان خشک انداختن کاریست عبث ! آنزمان می بایست معلم باز نشسته ای به صدا در می آمد: در کشوری که نخست وزیرش اینگونه دیدگاهی نسبت به معلمان بازنشسته داشته باشد ، بازنشستگان درختان خشکی بیش نخواهند شد ! و این طرز نگرش اگر از جهل نباشد ، برنامه ای است مغرضانه در جهت تخریب بنیان و اساس فرهنگ جامعه . در حالیکه به نظر اینجانب موارد زیر قابل توجه است .

۱) معلم باز نشسته ، پیشکسوت معلمان بوده و از آموزش و پرورش خارج نشده است . بلکه خود صاحبخانه آموزش و پرورش می باشد و می تواند در پست های کلیدی بویژه در زمینه آموزش نقش اساسی را بعهده بگیرد .

۲) معلم باز نشسته دارای کوله باری از تجربیات بسیار غنی در حرفه معلمی است که می تواند آنها را بدون هیچگونه چشم داشتی در اختیار معلمان مبتدی و جوان قرار دهد .

۳) معلم بازنشسته خارج از حیطه انجام وظیفه ، دیدی بسیار وسیعتر از معلمین شاغل نسبت به آموزش و آینده جامعه دارد. لذا تیزتر و سریعتر معضلات آموزشی را تشخیص می دهد و بهتر می تواند نارسایی هارا ترمیم نماید .

۴) معلم باز نشسته نه تنها درخت خشک و بی ثمر نبوده ، بلکه با شالوده ای محکم و دورنگری عمیق ، بهتر از معلمین شاغل ، مسایل آموزشی و پرورشی را می شناسد و در حل آنها تواناتر است .

۵) معلم بازنشسته پس از گذر حداقل پنجاه سال از دوران عمر، در اکثر جنبه ها ، به تشفی تمایلات درونی رسیده و اینک فارغ البال فرصت پرواز اندیشه در فرازهای بالاتر را پیدا کرده است .

۶) معلم باز نشسته به سبب نظارت بر احوال فرزندان خود که چگونه تربیت و آموزش معلمان ، سرنوشت آنها را رقم زده است و با دلهره ای که برای آینده نوه های دلبنده خود دارد ، بیشتر متوجه اهمیت امر آموزش و کیفیت تدریس معلمین بوده و مشتاقانه در جهت متعالی شدن امر آموزش تلاش میکند .

۷) معلم باز نشسته دوران جوانی را که دل هوای پرداختن به همه امور را دارد ، سپری کرده و اینک فقط به امور خاصی که بقاء و زندگی صحیح بر آنها استوار است ، فکر میکند و این تمرکز اندیشه به همراه تجارب غنی فراوان ، او را در این امور خاص و مهم ، بیشتر موفق می گرداند .

۸) معلم بازنشسته خود را مسؤول و متولی آموزش و پرورش دانسته و برای آینده و سعادت جامعه اش بیشتر از هر کسی دل میسوزاند و لحظه ای غافل نبوده ، چونکه معمولاً جوانان بیشتر دچار غفلت می شوند .

۹) معلم باز نشسته بنابه فطرت و ذات آدمی برای رسیدن به باقیمانده آرزوهایش در سالهای آخر عمر ، شتاب بیشتری می گیرد و چون بر اثر گذر زمان به تکامل عقلی بیشتری رسیده ، فقط آرزوهای اساسی و مهم را دنبال می کند، لذا به امر آموزش فرزندان جامعه که مهمترین نیاز اجتماعی است ، توجه بیشتری می کند و برای تعالی آموزش ، بهتر از جوانترها فکر می کند و کارایی مؤثرتری دارد .

۱۰) معلم بازنشسته در عروج انسانی به مرتبتی رسیده که سریع سره را از ناسره جدا کرده و در قضاوت و تصمیم گیریها ، بهتر از دیگران می اندیشد .

۱۱) معلم بازنشسته در زمینه خود سازی تقریباً به آخر خط نزدیک شده و تمامی هم و غمش را در زمینه ساختن دیگران مصرف می کند. در صورتیکه معلمین شاغل بخش عمده افکار خود را در جهت خود سازی بکار می گیرند.

۱۲) معلم بازنشسته در مورد ساختار و تشکیلات زندگی خانوادگی از نظر مادی همه تلاشش را کرده و به موقعیتی نسبتاً رضایت بخش رسیده و اینک فرصت بیشتری برای پرداختن به امور معنوی را دارد. لذا در امر آموزش و پرورش دقیق تر از قبل می تواند مؤثر باشد.

۱۳) معلم بازنشسته به دنبال برتری طلبی و رقابت صنفی و خود مطرح کردن نبوده و عمدتاً به مشارکت فکری و کارهای جمعی که بیشتر مفید خواهند بود توجه دارد.

۱۴) معلم بازنشسته بخاطر به به و چه چه کاری را انجام نمی دهد، بلکه برای رسیدن به اهداف متعالی، همه مصایب را تحمل کرده و آگاهانه و مدبرانه به پیش می رود تا موفقیت نهایی را کسب نماید.

۱۵) معلم بازنشسته در محذورات و معذورات رسمی اداری برای ارزیابی ها و برخورداری از مزایای آنها قرار نداشته، لذا فارغ از هرگونه شگردهای ظاهر فریبانه، به اصل محتوی و معنی توجه می کند و بدیهی است که اینگونه رویارویی در رفع مشکلات کارساز خواهد بود.

۱۶) معلم بازنشسته آرد را بیخته و الک را آویخته و در بند هیچگونه آز، قید، مسامحه و قراردادی نبوده و آزاد و سر فراز، فقط بخاطر نفس عمل به انجام کاری مبادرت میورزد.

۱۷) معلم بازنشسته رویاهای گذشته اش را در حاصل تلاش دوران پختگی می بیند و چون متوجه گذر زمان و عمر خود شده است، با جدیت و کوشش حساب شده به انجام امور میپردازد.

۱۸) معلم بازنشسته اگرچه به مسافرت و دیدن اماکن و مناظر تازه تری که جنبه فردی دارد، نیازمند است، ولیکن در مقایسه با پرداختن به امور مهم اجتماعی، بدون آنکه پیامد ناجوری برایش داشته باشد، از آن خواسته ها صرف نظر می کند.

۱۹) معلم بازنشسته موفقیت و سعادت نهایی خود را در آینده فرزندان جامعه می بیند ، و بنا به خصلت ذات آدمی در جهت رسیدن به آن ، از همه توان و اقتدار خود استفاده می کند . لذا در راهنمایی معلمان شاغل می تواند نقش خارق العاده ای را ایفا نماید .

۲۰) معلم بازنشسته مصلحت خواه آموزش و پرورش جامعه بوده و با تمام قوا در جهت اجرای رسالت فرهنگی خود کوشش می کند و با داشتن ویژگیهای خاص ، باعث ایجاد تحولات و تغییرات مطلوب در جهت تکامل و تعالی جامعه میگردد .

شنیده بودم که وقتی سفیر آمریکا در ایران در زمان انقلاب به کشورش باز گشت و بازنشسته شد ، بلافاصله از طرف سازمانی که روی مسایل خاورمیانه مطالعه میکرد ، دعوت به کار گردید تا از اطلاعات و تجربیات فراوان وی در زمینه اوضاع کشورهای خاورمیانه استفاده نمایند . البته برای گذار وقت هم بوده معلم بازنشسته نیاز به نوعی سرگرمی دارد ، که متناسب با سلیقه ، خوی ، منش ، طبع ، نگرش و جهان بینی شخص خواهد بود . نا گفته نماند که حقوق معلمی در دوران بازنشستگی کفاف هزینه های زندگی وی را نمی کند . لذا ناچار به شغلهایی برای کسب درآمد روی می آورد که اگر مناسب شان و منزلت معلمی نباشد ، تاثیرات منفی بر افکار عمومی و بویژه کودکان و نوجوانان جامعه می گذارد.

روزی که برای اولین بار (پاییز ۱۳۸۲) راهم به اتاق محقر و بدون وسایلی که بسیار پایینتر از یک قهوه خانه معمولی ، آنهم در محوطه سازمان عظیم آموزش و پرورش استان کردستان واقع در خیابان اکباتان سنندج ، با تابلوی " کانون مستقل بازنشستگان آموزش و پرورش استان کردستان " افتاد و چند نفر بازنشسته را روی صندلیهایی که در رستورانهای بین راهی دور از شهرها به چشم می خوردند ، دیدم که خود را مشغول بازی شطرنج کرده اند و چهره های غبار گرفته آنان ، حکایت از نارضایتی از ادامه عمر و یاس و ناامیدی فراوان می کرد و مهمتر اینکه در میان آنان معلمان سی سال پیش خودم را دیدم که شادابی و مهربانی آنها با آن زمان اصلاً قابل مقایسه نبود و ... یکه خوردم و بر خود لرزیدم و سخت دلم گرفت .

پیشنهاد می نمایم :

۱ - واحد شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش ترجیحاً کارهای تحقیقی و پژوهشی در ارتباط با موضوعات علمی و آموزشی را صرفاً به معلمان بازنشسته واگذار نماید و با حمایت و مساعدت مالی، آنها را در این کار تشویق کرده که ثمرات آن بشمار خواهد بود .

۲ - مسئولیت و اداره انجمنهای اولیاء و مربیان تمامی مدارس به معلمان بازنشسته محول گردد ، چرا که انتظارات والدین دانش آموزان با تجربیات آموزشی و پرورشی ، یکجا در معلمان بازنشسته که خود فرزندان در حال تحصیل دارند ، نهفته است . لذا گره معضلات ذیربط بهتر و سریعتر گشوده خواهد شد .

۳ - مسئولیت و کنترل هسته های مشاوره در تمامی مدارس به عهده معلمان بازنشسته گذاشته شود . چونکه آنان می توانند ، هم به معلمان شاغل در موارد فراوان ، سرویس مشاوره ای ارائه دهند و هم دانش آموزان را در تمامی زمینه ها یاری نمایند.

سید محمد فؤاد ابراهیمی

مدرس ریاضیات و کامپیوتر مراکز تربیت معلم سنندج

[http://www.rahavardeman.blogfa.com/post-
.aspx۶۲](http://www.rahavardeman.blogfa.com/post.aspx۶۲)